

خبر



خطر سرطان پوست برای کارگران فضای باز

براساس نظرسنجی جدید آکادمی پوست آمریکا، افرادی که خارج از منزل کار می کنند، به احتمال بیشتری دچار آفتاب سوختگی و برنژگی می شوند و در معرض خطر ابتلا به سرطان پوست قرار می گیرند.

این کاوش نشان داد که حدود نیمی از کارگران فضای باز در سال ۲۰۲۳ دچار آفتاب سوختگی شده اند. این افراد در ساخت وساز، محوطه سازی، خدمات پزشکی اورژانس و تحویل پستی کار می کنند. علاوه بر این، از هر ۱۰ کارگر فضای باز، یک نفر آفتاب سوختگی شدید منجر به ایجاد تاول پیدا کرد.

دکتر «بروس برو» ، استاد بالینی پوست در دانشگاه پنسیلوانیا، گفت: «از آنجا که اکثر کارگران فضای باز در ساعات اوج روز در معرض نور خورشید قرار می گیرند، بسیار مهم است که اقدامات محافظتیی در برابر آفتاب را به عنوان بخشی از برنامه روزانه خود برای محافظت در برابر سرطان پوست اتخاذ کنند.»

محققان نکاتی را برای محافظت در برابر نور خورشید ارائه می دهند که از همه و به ویژه کارگران فضای باز می خواهند آن ها را رعایت کنند. نکات مورد نظر عبارتند از:

- بین ساعت ۱۰ صبح تا ۲ بعداز ظهر به دنبال سایه باشید، بخصوص زمانی که پرتوهای خورشید قوی تر هستند.

- لباس های محافظ در برابر آفتاب، از جمله کلاه لبه پهن، پیراهن آستین بلند سبک، شلوار و عینک آفتابی با محافظ (UV) بپوشید.

- ضد آفتاب (SPF ۳۰) یا بالاتر را روی تمام قسمت های پوست که با لباس پوشانده نشده، بمالید و هر دو ساعت یک بار یا بعد از شنا یا تعریق مجدداً استفاده کنید.

مهاجرت کاری به کانادا دشوارتر شد

کانادا اعلام کرد برای نخستین بار در تاریخ پس از سال ها پذیرش بالای مهاجران، قصد دارد تعداد کارگران موقت خارجی را کاهش دهد. اوتوا می خواهد تعداد ساکنان موقت این کشور را ظرف سه سال از ۲.۴ درصد جمعیت کل کنونی یعنی معادل ۲.۵ میلیون نفر، به پنج درصد جمعیت کل کشور برساند.

این هدف پس از مشورت با مقامات استانی کانادا قطعیت خواهد یافت. برخی استان های این کشور در بحبوحه بحران مسکن و افزایش تقاضای خدمات، پذیرش مهاجران را کاهش دادند. دولت کانادا پیش تر نیز محدودیت هایی مانند کاهش پذیرش دانشجویان بین المللی و التزام دریافت ویزا برای برخی شهروندان مکزیک را وضع کرده بود.

مارک میلر، وزیر مهاجرت کانادا در کنفرانس مطبوعاتی گفت: « کانادا در سال های اخیر شاهد افزایش شدید تعداد مقیم های موقت بوده است. دانشجویان بین المللی، کارگران گذری که موقعیت های شغلی موجود را پر می کنند و پناهجویانی که از جنگ و بلایای طبیعی فرار کرده اند، جزو این ساکنان موقت هستند.»

واضح است که به دلیل مهاجرت گسترده، روند افزایش تعداد مهاجران از روند اشتغالزایی پیشی گرفته و همین امر فشرده تر شدن بازار کار را در پی دارد. بنابر داده های دولت کانادا، در سه ماهه آخر سال ۲۰۲۳ تعداد موقعیت های شغلی موجود با ۳.۶ درصد کاهش به ۶۷۸ هزار و ۵۰۰ موقعیت رسیده است. این سومین کاهش متوالی از زمان رکورد ۹۸۳ هزار و ۶۰۰ موقعیت شغلی در سه ماهه دوم سال ۲۰۲۲ است.

رندی بواسسنو، وزیر کار کانادا از کارفرمایان درخواست کرد پیش از استخدام کارگران موقت خارجی، به خدمت گرفتن پناهندگان را در نظر داشته باشند.

به گفته او برای مشاغلی که جهت تأمین تا ۳۰ درصد از نیروی کارشان مجاز به استخدام کارگران خارجی هستند، به استثنای بخش مراقبت های بهداشتی و ساخت وساز، این میزان به ۲۰ درصد کاهش می یابد. در همین حال میلر به اداره مهاجرت کانادا دستور داده تا ضمن بازنگری برنامه های موجود، به کارگیری کارگران موقت را با نیازهای کنونی منطبق ساخته و از سوء استفاده ها جلوگیری کند.

گزارش



تعداد مشاغل خالی یعنی شغل هایی که کسب و کارهای بازار تمایل به پرکردن آن ها دارند، به طرز شگفت آوری در بخش های مختلف جهان بالا رفته است. حتی در بازارهایی که تعداد این خفرها در ماه های اخیر روند نزولی داشته مانند استرالیا، کانادا، دانمارک، سنگاپور، بریتانیا و ایالات متحده میزان مشاغل خالی به طور غیرعادی بالاتر از میانگین قبل از همه گیری برآورد می شود. در جاهای دیگر، به عنوان مثال در بلژیک، قبرس، آلمان، یونان، لتونی، لیتوانی و اسپانیا، تعداد مشاغل خالی بالا مانده یا در حال افزایش است.

در این وضعیت شرکت هایی که قبلاً نتوانسته اند کارگران واجد شرایط را برای پرکردن مشاغل خالی پیدا کنند، احتمالاً از عرضه مشاغل جدید دلسرد شده اند. به همین دلیل تعداد واقعی مشاغل خالی می تواند حتی بیشتر از این باشد. در آلمان، اگرچه تعداد مشاغل خالی ثبت شده حدود ۷۰۰ هزار نفر است، اما دولت تخمین می زند که تعداد واقعی نزدیک به ۲ میلیون نفر باشد. عدم تطابق بین مهارت های کارگران و نیازهای کارفرمایان، مانع مهمی برای استخدام در موقعیت های شغلی خالی محسوب می شود. در حالی که بازار کار با فرصت ها روبه رو است، تطابق نداشتن مهارت ها خالی ماندن بسیاری از موقعیت ها، حتی با وجود بیکاری بالا یا رو به افزایش را رقم می زند.

کمبود مهارت

هم اکنون در انتاریوی کانادا، بخش تولید با بیش از ۱۸ هزار و ۹۰۰ موقعیت خالی مواجه است. از سوی دیگر تا دو سال دیگر ۷۰۰۰ شغل در بخش خودروهای الکتریکی ایجاد خواهد شد. در پایان سال ۲۰۲۲، استرالیا با سناریوی مشابهی روبه رو شد که تعداد مشاغل خالی از تعداد افراد بیکار فراتر رفت. در سنگاپور، بازار کار پس از همه گیری عدم تطابق بین مشاغل موجود و مهارت های نیروی کار را تجربه کرد. این موضوع منجر به ایجاد ۱.۶ شغل برای هر فرد بیکار شده بود. همچنین در سراسر اروپا، تلاش طولانی مدت برای یافتن کارگران ماهر کافی در بخش ساخت وساز با افزایش تقاضا پس از کرونا تشدید شده که نشان دهنده چالشی گسترده و جهانی است.

کمبود شدید نیروی کار ماهر حالا به عنوان مانعی در برابر رشد اقتصادی تلقی می شود. در آلمان، چشم انداز رشد اقتصادی در حال حاضر ۰.۷ درصد است که بسیار کمتر از میانگین بلندمدت آن یعنی ۲ درصد محسوب می شود. این تا حدی به دلیل کمبود کارگر دارای مهارت است. کسب و کارهایی که مشتاق رشد و بهره برداری از فرصت های جدید بازار هستند، خود را با مشکل یافتن نیروی کار با مهارت های مناسب رودرو می بینند. شکاف بین مشاغل موجود و مهارت های جویندگان کار نه تنها بر ناکارآمدی در استراتژی های توسعه نیروی کار فعلی تأکید می کند، بلکه نیاز مبرم به محور برنامه های آموزشی و حرفه ای را برجسته می کند. نمایندگان صنعت در سراسر کشورها استدلال کرده اند که چنین برنامه هایی اکنون باید به سرعت تکامل یابند تا با تقاضاهای بازار به سرعت در حال تغییر، مطابقت داشته باشد. بازاری که در آن فشار برای فناوری های

همچنان که در بازار کار امروز رشد آهسته جهانی و کوچک تر شدن بازارهای اعتباری را مشاهده می کنیم، فرصت های شغلی در بخش های مختلف جهان خالی مانده یا افزایش می یابد. کشورهای سرتاسر جهان اقداماتی را برای رفع کمبودهای کارگر اتخاذ کرده اند، اما راه حل های بخشی و منطقه ای تغییر بازار کار جهانی، روش های اساسی تغییر آن از زمان همه گیری و پیامدهای انتقال جمعیتی در



کم کربن و دیجیتالی شدن، تقاضا برای مهارت های جدید و تخصصی را تسریع می کند.

تلاش برای یافتن راه حل

افزایش مشاغل خالی و کمبود کارگران نشان دهنده چندین روند اساسی است؛ پس از رکود در سال ۲۰۲۰، اقتصاد جهانی شاهد یک جهش قوی ۶.۳ درصدی در سال ۲۰۲۱ و ۳.۴ درصدی در سال ۲۰۲۲ بود که به نوبه خود باعث افزایش آگهی های شغلی شد. قطعه دوم این پازل می تواند به کاهش جریان مهاجرت به دلیل کووید ۱۹ مربوط باشد. همه گیری باعث شد بسیاری از کارگران کشور میزبان خود را ترک کنند، در حالی که سیستم های مهاجرت با تأخیر در صدور ویزا دست و پنجه نرم می کردند و در نتیجه شکاف های کارگری به وجود آمد. سومین مورد را می توان رکود دستمزدها برشمرد که البته موضوعی دائمی است. به عنوان مثال در استرالیا، حتی با افزایش دستمزدها، میزان دریافتی کارگران نتوانسته با افزایش هزینه های زندگی مطابقت کند. در نهایت، شرایط خاص ملی مانند چالش های بازار کار بریتانیا پس از برگزیت نیز در این زمینه نقش دارند.

در پاسخ، دولت ها اقداماتی را برای جذب کارگران مهاجر بیشتر یا رسمی کردن وضعیت آن ها آغاز کرده اند. در پایان سال گذشته، یونان قانون جدیدی تصویب کرد که به هزاران مهاجر غیرقانونی حق اقامت اعطا می کرد، مشروط بر اینکه آن ها شغلی مطمئن داشته باشند. مقامات ارشد آلمان تا آنجا پیش رفته اند که طبق اعتراف خودشان این کشور نمی تواند شکاف نیروی کار خود را بدون نیروی کار مهاجر کاهش دهد. برلین چندین تغییر قانونی را با هدف جذاب تر کردن آلمان برای کارگران مهاجر اجرا کرده؛ از جمله ساده سازی مسیر شهروندی، تسریع در پردازش ویزا و به رسمیت شناختن صلاحیت های خارجی در بازار کار. به احتمال زیاد کشورهای بیشتری از این روند پیروی کنند.

مناسبات کاری جدید مانند چهار روز کاری در هفته نیز در حال بررسی است. در آلمان از ماه فوریه، ده ها شرکت به طور آزمایشی یک هفته کاری چهار روزه را اجرا کرده اند. ایده این است که یک هفته کاری کوتاه تر در نهایت می تواند کارگران

گزارش گاردین از آینده نیروی کار نشان داد:

افزایش تعداد فرصت های شغلی در جهان

سراسر جهان را نادیده می گیرند. رشد اقتصاد جهانی از سال ۲۰۲۲ کاهش یافته؛ زیرا شوک ها و درگیری های مختلف به آسیب رسانده و همچنان آن را تهدید می کند. در این شرایط با توجه به وضعیت اعتباری سخت تر در همه جا و کسب و کارهای درگیر تورم، پیش بینی می شود که بیکاری در سال های آینده به طور پیوسته افزایش پیدا کند.

و کشورهای کم درآمد پیش از ثروتمند شدن پیر خواهند شد. در حالی که تسهیل دسترسی کارگران مهاجر آفریقایی به بازارهای کار با درآمد بالا بسیار اهمیت دارد، سرمایه گذاری برای آموزش و مهارت آن ها نیز به همان اندازه حیاتی است تا اطمینان حاصل شود که کارگران آفریقایی از فرصت های خارج از کشور استفاده کامل می کنند.

نیروی کار در بحران

علاوه بر دنیای در حال پیر شدن، «استغای بزرگ» نیز واقعی بود. بسیاری از کارگران از زمان همه گیری، کار را ترک کردند. در ایالات متحده به صورت بی سابقه ای ۵۰ میلیون کارگر در سال های ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲ کاره گیری کردند که نشان دهنده نارضایتی فزاینده نسبت به کار پس از همه گیری است. این عدم رضایت اگرچه در ابتدا یک گرایش غالب آمریکایی تلقی می شد، اما به سایر نقاط جهان نیز سرایت کرد. فرانسه شاهد رکود ۲.۷ میلیون استغای داوطلبانه در سال ۲۰۲۲ بود و روندهای مشابهی در سراسر اروپا مشاهده شد.

مسئله کمبود نیروی کار تا حدی می تواند به تأثیر مخرب کووید-۱۹، از جمله اثرات طولانی مدت آن برگردد. در ایالات متحده، نیروی کار نه تنها برای از دست دادن بیش از ۲۵۰ هزار نفر در سن کار به دلیل ابتلا به این ویروس عزادار شده، بلکه شاهد کاهش پایدار نیز بوده است.

پس از همه گیری، تغییر چشمگیری در اولویت های کاری با تقاضای فزاینده برای کاهش ساعات کار، افزایش انعطاف پذیری و تعادل بهتر بین کار و زندگی پدیدار شد. در ایالات متحده، تعداد زیادی از کارمندان که استعفا برای آن ها انتخاب مناسبی نیست، شرایط کاری انعطاف پذیرتر، فرصت های دورکاری و بهبود تعادل بین کار و زندگی را ترجیح می دهند. این میراث ماندگار تأثیر کرونا بر محل کار است. حتی در سنگاپور، کارگران تمایل دارند دستمزد خود را با انعطاف پذیری های کاری معاوضه کنند. در نتیجه این روند به ویژه در میان کارگران جوان تر، افراد با درآمد بالاتر و زنان، منجر به کاهش ساعات کار در ایالات متحده شده و کمبود نیروی کار را تشدید می کند.

افزایش مشاغل خالی فقط یک ناهنجاری نیست، بلکه نشان دهنده تحولی عمیق در بازارهای کار جهانی است. این تغییر نه تنها انتقال جمعیتی بلکه تغییر در اولویت های کاری پس از همه گیری را در بر می گیرد.

راه حل های موجود شاید تسکین مختصری ارائه دهند و رکود اقتصادی بتواند این چالش ها را موقتاً پنهان کند، اما در نهایت، برخلاف آنچه قبلاً دیده ایم، این راه حل به هماهنگی جهانی نیاز دارد. زمان آن رسیده که رویکردهای متورانه و خلافتانه برای بسیج فرصت های مختلف نیروی کار داشته باشیم. در واقع این فرصت ها شامل مهار جمعیت در سن کار به سرعت در حال رشد آفریقا، بهره برداری از پتانسیل کم استفاده کارگران مسن تر اما هنوز مولد از کشورهای کم درآمد و مشارکت مجدد بازنستگان و کارگران جوان ناراضی کشورهای ثروتمندتر خواهد بود.

شناخت به هم پیوستگی چالش های مقابل بسیار مهم است. همه ما بخشی از یک بازار کار منحصربه فرد و جهانی هستیم. مشکلاتی که با آن مواجهیم و راه حل هایی که باید به آن ها متوسل شویم نیز مشترک هستند.

حمایت مشاغل کوچک از افزایش دستمزد در آمریکا

می کنند. به رغم نظرسنجی و این حمایت گسترده، نیمی از صاحبان مشاغل کوچک در آمریکا (۵۰ درصد) معتقدند که افزایش دستمزد می تواند وضعیت حیاتی تأمین کارگر را برای کسب و کارشان دشوار کند.



در مجموع ۳۸ درصد فکر می کنند که این افزایش به کسب و کار آن ها آسیب می رساند. منبع: CNBC

افزایش دستمزد ابراز نگرانی می کنند.

تأثیر بر تجارت

صاحبان مشاغل کوچک در مورد اینکه آیا افزایش حداقل دستمزد بر توانایی آن ها برای استخدام کارمندان جدید تأثیر می گذارد یا خیر بحث دارند. نیمی از آن ها (۵۰ درصد) معتقدند که افزایش دستمزد استخدام را دشوارتر می کند، در حالی که کمتر از نیمی (۴۹ درصد) انتظار تأثیر خاصی ندارند. دو برابر تعداد صاحبان مشاغل کوچک با فرصت های شغلی پرنشده در سه ماه نخست امسال معتقدند که حداقل دستمزد بالاتر به جای کمک بیشتر به کسب و کار آن ها آسیب می رساند.

به رغم حمایت کلی از افزایش حداقل دستمزد، به نظر می رسد صاحبان کسب و کارهای کوچک در مورد تأثیر این مسئله بر کسب و کارشان، مطمئن نیستند. تنها یک نفر از هر پنج نفر (۱۹ درصد) صاحبان این مشاغل باور دارند که حداقل دستمزد بالاتر کمک کننده خواهد بود. با در نظر گرفتن اینکه تقریباً دوسوم جمعیت آن ها (۱۶ درصد) چنین دیدگاهی دارند، یک آمار قابل محسوب می شود.

صاحبان مشاغل نگرانند که افزایش دستمزد به سودآوری آسیب وارد کند (به ویژه برای مشاغلی که در حال حاضر بسیار کم سود هستند) و توانایی آن ها برای استخدام کارگران سطح پایه را کاهش دهد.

گروه هایی که احتمالاً از افزایش حداقل دستمزد حمایت می کنند، صاحبان مشاغلی هستند که زنان، سیاهپوستان و افراد زیر ۴۵ سال در آن ها فعالیت دارند. مشاغلی که از نظر سیاسی دموکرات اند. گروه هایی که کمترین حمایت را از افزایش حداقل دستمزد دارند، مردان بالای ۴۵ سال، سفیدپوستان، جمهوری خواهان و یا کسانی هستند که در بخش تولید یا کشاورزی کار می کنند.

صاحبان مشاغل کوچک با فرصت های شغلی پرنشده طی سه ماه گذشته در شرکت خود، نسبت به حمایت خود از افزایش حداقل دستمزد اختلاف نظر دارند. بیش از نیمی از آن ها (۵۴ درصد) حامی افزایش هستند، در حالی که کمتر از نیمی (۴۵ درصد) با افزایش دستمزد مخالفت دارند. همچنین دوسوم هم (۶۸ درصد) نسبت به توانایی خود در استخدام کارمندان جدید در نتیجه

گزارش

نظرسنجی سه ماهه اول سال ۲۰۲۴ از کسب و کارهای کوچک در ایالات متحده آمریکا نشان می دهد که اکثریت (۶۱ درصد) صاحبان مشاغل کوچک از افزایش حداقل دستمزد در ایالت خود حمایت

با نزدیک شدن به انتخابات در آمریکا، تلقی مردم از سلامت اقتصادی بیش از هر زمان دیگری اهمیت پیدا می کند. صاحبان مشاغل کوچک با توجه به شدت حساسیت شان نسبت به تغییر در سیاست ها، به عنوان یک زنگ خطر در نظر گرفته می شوند. درک نگرانی های آن ها در مورد تورم و هزینه انجام تجارت می تواند روشننگر چگونگی واکنش رأی دهندگان در ماه نوامبر باشد.

بسیاری از ایالت ها و شهرها در آمریکا اخیراً حداقل دستمزد خود را افزایش داده اند یا در حال افزایش آن هستند. حتی برخی شرایطی بالاتر از حداقل دستمزد فدرال برای مطابقت با هزینه های زندگی محلی تعیین می کنند.

تفاوت بین نسل ها

برخی از صاحبان مشاغل در ماه های اخیر، حمایت خود را از افزایش حداقل دستمزد ابراز کرده اند. به این امید که حقوق های بیشتر باعث شود مشتریان بالقوه پول زیادتری خرج کنند، همچنین درآمد مالیاتی را افزایش دهد که برای بهبود جامعه محلی استفاده می شود و در کنار این ها رضایت کارکنان را بالا ببرد. با این حال، دسته دیگری از